



آسیب‌شناسی ترجمه از زبان واسطه (بررسی موردی ترجمه شکرالله شجاعی فر از رمان عرس الزین)

علی سعیداوی *  استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

سجاد احمدی  کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

چکیده

یکی از مباحث حوزه مطالعات ترجمه، ترجمه از زبان واسطه است که بسیار اهمیت دارد. درباره ترجمه از زبان واسطه، نظرات مختلفی وجود دارد؛ برخی آن را به طور کامل رد می‌کنند و برخی دیگر آن را در مورد زبان‌هایی که گستره محدودی دارند، جایز می‌دانند. از جمله ترجمه‌های فارسی که با واسطه انجام شده، برگردان شکرالله شجاعی فر از رمان عربی «عرس الزین» اثر طیب صالح است. شجاعی فر این رمان را با واسطه و از طریق ترجمه انگلیسی به فارسی برگردانده است. در این جستار، نگارندگان با الگو قرار دادن این ترجمه به آسیب‌شناسی ترجمه از زبان واسطه پرداخته‌اند. ترجمه شجاعی فر در سه حوزه کاهش و افزایش واژگانی، همایش واژگانی و همچنین لغزش‌ها مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاصله نشان می‌دهد که ترجمه شجاعی فر به خاطر واسطه قرار دادن ترجمه انگلیسی هم در حوزه کاهش و افزایش واژگانی و هم از نظر همایش واژگانی دچار انحراف شده است. همچنین برخی از لغزش‌های مترجم انگلیسی به ترجمه وی منتقل شده است.

واژگان کلیدی: آسیب‌شناسی، ترجمه از زبان واسطه، عرس الزین، شکرالله شجاعی فر.

مقدمه

ترجمه از زبان واسطه از دیرباز متداول بوده است. به عنوان مثال، بسیاری از آثار یونان قدیم با واسطه از زبان فارسی و سریانی به زبان عربی برگردانده شد. درباره ترجمه از زبان واسطه، صاحب‌نظران دیدگاه‌های متفاوتی دارند؛ رضا سیدحسینی ترجمه از زبان واسطه را رد می‌کند. ایشان در مقدمه‌ای که برای ترجمه خود از رمان تونیو کورگو اثر توماس مان^۱ نوشته از تجربه تلخ خود در ترجمه این کتاب سخن به میان می‌آورد. زیرا این رمان را با واسطه از ترجمه فرانسه و ترکی به زبان فارسی برگردانده است و به مترجمان جوان توصیه می‌کند آثار ادبی را از زبان اصلی ترجمه کنند (مان، ۱۳۸۸). طه حسین، نویسنده نامدار مصری ترجمه از زبان واسطه را برای زبان‌هایی که در خاورمیانه گستره کمتری دارند (مانند زبان آلمانی) جایز می‌داند. به اعتقاد وی، اگر کسی اثری را از یک نویسنده آلمانی از زبان فرانسه برگرداند، می‌تواند ترجمه خود را با ترجمه انگلیسی همان اثر مقایسه کند و از صحت ترجمه خود اطمینان پیدا کند (طه حسین، ۱۹۸۱).

امروزه با وجود گسترش وسایل ارتباطی و در دسترس بودن امکانات برای یادگیری زبان‌ها، باز هم شاهد ترجمه از زبان واسطه هستیم. از جمله کتاب‌هایی که با واسطه به زبان فارسی برگردانده شده، رمان عرس الزین اثر طیب صالح نویسنده نامدار سودانی است. این اثر به زبان عربی نگاشته شده و دنیس جانسون دیفزا^۲، مترجم مشهور آمریکایی تبار که صاحب چندین جایزه ادبی و همچنین دارنده جایزه گوگنهایم^۳ و کتاب ملی است (<http://iranketab.ir/profile/4726-denis-jhonson>)، «عرس الزین» را به انگلیسی ترجمه کرده است. این در حالی است که شکرالله شجاعی فر آن را با واسطه و از روی ترجمه انگلیسی و نه از روی متن عربی که متن اصلی است به فارسی برگردانده است.

در پژوهش پیش‌رو، نویسندگان به دنبال آن هستند تا به این سؤال پاسخ دهند که «ترجمه شکرالله شجاعی فر از رمان عرس الزین به خاطر واسطه قرار دادن ترجمه انگلیسی، دچار چه آسیب‌هایی شده است؟»

-
- 1- Kroger, T.
 - 2- Mann, T.
 - 3- Davies, D. J.
 - 4- Guggenheim

در این جستار، ترجمه شکرالله شجاعی فر از رمان عرس الزین برای اولین بار از لحاظ اینکه با واسطه از زبان انگلیسی به فارسی برگردانده شده است، مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد. نگارندگان در نظر دارند با بهره‌گیری از روش نقد تطبیقی یا نقد تقابلی دست به مقایسه‌ای سه‌گانه بزنند و ترجمه شکرالله شجاعی فر را از یک طرف با متن عربی رمان عرس الزین و از طرف دیگر با ترجمه انگلیسی آن مقایسه کنند و آن را در سه حوزه کاهش و افزایش واژگانی، هم‌نشینی واژگانی و لغزش‌ها مورد تحلیل و بررسی قرار دهند، چراکه بررسی یک ترجمه در این سه حوزه تنها از راه بررسی و تحلیل و مقایسه آن با متن اصلی و متن واسطه در کنار یکدیگر میسر می‌شود.

۱. پیشینه پژوهش

نقد و بررسی ترجمه‌هایی که از زبان واسطه انجام شده تاکنون چندان مورد توجه قرار نگرفته است. از این رو، نگارندگان در بررسی‌های خود تنها به دو مقاله و یک پایان‌نامه در این زمینه برخورد کردند: مقاله اویس محمدی، علی بشیری و زین العابدین فرامرزی با تحت عنوان «تحلیل گفتمانی تغییر عناصر فرهنگی - اجتماعی در ترجمه از زبان واسطه مجموعه عشق با صدای بلند»، مقاله علی سعید‌اوی با عنوان «بررسی کیفیت ترجمه از زبان واسطه با رویکرد متن‌مدارانه» و پایان‌نامه مهدی ابراهیم با عنوان «بررسی تطبیقی ترجمه مستقیم و ترجمه واسطه‌ای رمان بیگانه اثر آلبر کامو».

۲. چارچوب نظری

اوایل قرن بیستم، زبان‌شناسی که در آن زمان رشته نوپایی بود، وارد حوزه ترجمه شد و این رشته که تا آن زمان جنبه هنری آن بسیار پررنگ بود، صبغه علمی به خود گرفت. این تغییر و تحول همچنان ادامه داشت تا اینکه در دهه ۸۰ قرن گذشته، رشته مطالعات ترجمه تأسیس شد (ر.ک: حقانی، ۱۳۸۶).

مطالعات ترجمه دارای شاخه‌ها و زیرشاخه‌های متعددی بوده که نقد ترجمه یکی از آنها است. درباره چگونگی نقد و تحلیل متون ترجمه شده دیدگاه‌ها متفاوت است؛

1- The Stranger

2- Camus, A.

محمود حدادی در کتاب خود با عنوان مبانی نظری ترجمه، نقد ترجمه را در یک شیمی کلی به دو دسته تقسیم کرده است:

الف- نقد ترجمه، مستقل از متن اصلی: در این روش، منتقد ترجمه را به عنوان یک اثر ادبی و نه به عنوان متن ترجمه شده از یک اثر، مورد بررسی قرار می‌دهد، چراکه ترجمه به میزانی با متن مقصد همسو است که خواننده متن ترجمه، رنگ و بویی از ترجمه به مشامش نمی‌رسد و در چنین وضعیتی، ترجمه در اوج ظرافت و زیبایی قرار دارد. از این رو، منتقد نیز نقدی را که انجام می‌دهد، مستقل از متن اصلی است و نه نقد واژه به واژه یا نقد محتوا به محتوا. در این حالت منتقد ممکن است سؤال‌هایی مانند «ترجمه در کشور میزبان چه اندازه کارایی دارد؟ آیا ترجمه زمینه کافی برای تفاهم به دست می‌دهد و خواننده میزبان، اطلاعات بنیادین را از آن درمی‌یابد؟ آیا سبک متن با محتوا تناسب دارد و یا قواعد دستوری زبان میزبان در آن رعایت شده است» مطرح کند (حدادی، ۱۳۷۰).

ب- نقد تطبیقی یا تقابلی ترجمه: در این روش، منتقد متن ترجمه را با متن زبان اصلی مقایسه می‌کند. این مقایسه می‌تواند در سطح واژگان، جملات، عبارات، پاراگراف‌ها و حتی کل متن صورت گیرد. در نقد تطبیقی، پایه کار چنین پرسش‌هایی هستند: آیا مترجم محتوا را درک کرده یا توانسته است همه ویژگی‌های نحوی و واژگانی اصل را پرورش دهد و بازآفرینی کند؟ آیا موارد برابری را عینی سنجیده و درست درجه‌بندی کرده است؟ (حدادی، ۱۳۷۰).

۳. نقد تطبیقی ترجمه شکرالله شجاعی فر

۳-۱. کاهش و افزایش واژگانی

آنتوان برمن^۱، فیلسوف و زبان‌شناس فرانسوی هرگونه حذف، اضافه، تغییر در سبک نویسنده، تغییر ساختار زبان، اطناب کلام و حتی تغییر در نقطه گذاری و پاراگراف بندی را تحریف متن اصلی شمرده و از آن به عنوان سیستم تحریف متن یاد می‌کند (مهدی‌پور، ۱۳۸۹). موارد حذف در ترجمه خوب، بسیار محدود و حتی نادر است و مترجم وفادار، جز در مواقع ضروری و اجتناب‌ناپذیر اقدام به حذف مطلبی نمی‌کند، چراکه حذف بی‌رویه عمده‌ترین عیب ترجمه محسوب می‌شود (کمالی، ۱۳۷۲).

1- Berman, A.

مسأله (حذف و اضافه) که تحت عنوان «کاهش و افزایش واژگانی» از آن تعبیر کرده‌ایم، زمانی مترجم را به چالش می‌کشانند و انگشت اتهام را در نقد به سوی او روانه می‌کند که اقدامات وی در این حوزه هیچ کمکی را برای متن مقصد (متن ترجمه شده) به ارمغان نیاورد و تنها منجر به اطناب کلام و یا کاهش متن شود؛ یعنی اضافه و کاهش وی هیچ تأثیر مثبتی را در ترجمه به همراه نداشته باشد.

الف- یضاحکهن کعاده (صالح، ۲۰۱۰)

شجاعی‌فر: طبق معمول با کارهای مضحک خودش سر به سر آن‌ها می‌گذاشت (صالح، ۱۳۷۹)

از رهگذر تطبیق ترجمه فارسی با متن عربی درمی‌یابیم که ترجمه فارسی با متن عربی همخوانی ندارد، چراکه متن عربی منظور دیگری دارد، اما ترجمه فارسی منظور دیگری را به خواننده القا می‌کند. متن عربی می‌خواهد بگوید «طبق معمول زنان ده را می‌خندانند»، اما ترجمه فارسی عبارتی را به متن اضافه کرده که باعث شده معنای اصلی با آنچه منظور و مقصود طیب صالح است، تفاوت بسیاری داشته باشد. با نگاهی به ترجمه انگلیسی و بررسی آن در کنار ترجمه فارسی به اشتباه شکرالله شجاعی‌فر پی می‌بریم:

And indulging in his usual antics (Davies, 1968)

هیچ برابری برای واژه «Antics» در متن اصلی وجود ندارد و به نظر می‌رسد که شجاعی‌فر به دلیل استفاده از زبان واسطه، عبارت «کارها» را به ترجمه فارسی انتقال داده است. در این عبارت شاهد اضافه از سوی مترجم فارسی و انگلیسی هستیم. این در صورتی است که عبارت «کارهای مضحک خودش» هیچ کمکی به ترجمه نکرده است و با حذفش در ترجمه فارسی، عبارتی روان‌تر به دست می‌آید. بنابراین، ترجمه «از روی عادتش آن‌ها را می‌خندانند» پیشنهاد می‌شود.

ب- فتابعه حتی وقف فی نصف الطريق (صالح، ۲۰۱۰)

شجاعی‌فر: و به تعقیب او پرداخت بین راه آشپزخانه و نیمکت مهمانان زین ایستاد (صالح، ۱۳۷۹)

در ترجمه فارسی شاهد اضافه شدن عبارت «آشپزخانه و نیمکت مهمانان زین ایستاد» هستیم، حال آنکه هیچ برابری برای آن در متن عربی وجود ندارد. در حقیقت برای ارائه متن قابل قبول در زبان مقصد نیازی نبود که مترجم متوسل به چنین اضافه‌ای شود. با نگاهی به متن انگلیسی درمی‌یابیم که این اضافه حاصل واسطه قرار دادن متن انگلیسی است:

Halfway to the diwan zein stopped (Davies, 1986).

اگر مترجم انگلیسی تنها از عبارت «In halfway» بهره می‌گرفت، شجاعی فر نیز اضافه‌ای را به ترجمه فارسی انتقال نمی‌داد، اما عبارت «Half to the diwan» باعث شده که شجاعی فر به تبعیت از ترجمه انگلیسی، عبارت را به صورت تفسیری ترجمه کند و ترجمه‌ای که به فارسی انتقال پیدا می‌کند، ترجمه مقبول و خواننده‌محوری نباشد. بنابراین، ترجمه زیر پیشنهاد می‌شود:

- به تعقیبش رفت تا اینکه زین میان راه ایستاد.

ج- و تشهد محجوب و استغفر (صالح، ۲۰۱۰)

شجاعی فر: محجوب که شوکه شده بود من و منی کرد و با گفتن لاله‌الاله‌الله حتی از شنیدن چنین مطلب و حشتناکی از خدا طلب مغفرت کرد (صالح، ۱۳۷۹)

در این عبارت ترجمه فارسی رنگ و بوی ترجمه تفسیری را به خود گرفته است. این در حالی است که فرهنگ دو زبان فارسی و عربی به یکدیگر نزدیک و خواننده فارسی زبان با واژگانی از قبیل «شهادتین» و «استغفار» بیگانه نیست. با تحلیل و بررسی متن انگلیسی به اشتباهی که شجاعی فر بدان دچار شده است، پی می‌بریم:

Mahjoub was so shocked that he muttered "There is no god but god and Mohammed is his prophet (Davies, 1968)

مترجم انگلیسی برای آنکه مطلب برای خواننده انگلیسی‌زبان که با اسلام، شهادتین و استغفار آشنا نیست، قابل فهم باشد، دست به ترجمه تفسیری زده، اما شجاعی فر بدون توجه به این مهم و با ترجمه مستقیم عبارت انگلیسی، ترجمه‌ای تفسیری از خود ارائه کرده و همین مسأله باعث شده که شاهد اضافه در ترجمه وی باشیم. این اضافه هیچ

رویگرد مثبتی را در ترجمه به ارمغان نیاورده است. بنابراین، ترجمه «محبوب شهادتین گفت و طلب استغفار کرد» پیشنهاد می‌شود.

د- حتی أقرب الناس الیه، عمومه و أخواله، لم یكونوا یأمنونه فی بیوتهم (صالح، ۲۰۱۰)
شجاعی فر: حتی نزدیک‌ترین اقوامش صلاح نمی‌دانستند که او را به خانه‌هایشان راه دهند (صالح، ۱۳۷۹)

اگر واژه «اقوامش» ترجمه عبارت «أقرب الناس الیه» باشد، پس ترجمه عبارت دیگر؛ یعنی «عمومه و أخواله» چیست؟ عبارت «عمومه و أخواله» که در متن عربی ذکر شده در ترجمه فارسی حذف شده در حالی که هیچ دلیلی برای حذف این عبارت وجود نداشته است. با نگاهی به ترجمه انگلیسی به این حذف بی‌دلیل پی خواهیم برد:

His family did not feel safe having him in their homes (Davies, 1968: 72)

شجاعی فر آنقدر درگیر سبک مترجم اول شده که ترجمه‌اش پر شده از این‌گونه حذف‌های بی‌دلیل و این امر باعث شده است که ترجمه او ترجمه‌ای درخور و شایسته به شمار نیاید. بنابراین، ترجمه «حتی نزدیک‌ترین اقوامش از جمله عموها و دایی‌هایش صلاح نمی‌دانستند او را به خانه‌هایشان راه دهند» پیشنهاد می‌شود.

ه- و یحصرون التلف الذی أحدثه الفيضان أو السیل (صالح، ۲۰۱۰)

شجاعی فر: و خسارت‌ها را تخمین می‌زدند (صالح، ۱۳۷۹)

عبارت «الذی أحدثه الفيضان أو السیل» در ترجمه فارسی حذف شده است. با تطبیق متن عربی و ترجمه فارسی به این موضوع پی می‌بریم که دلیلی برای حذف این عبارت وجود نداشته و حذف تنها منجر به کاهش معنا شده و امانتداری مترجم را خدشه‌دار کرده است. اما چه دلیلی برای حذف وجود داشته است؟ پاسخ به این سوال را در ترجمه انگلیسی می‌یابیم:

Finding out how people were faring and making estimate of damage (Davies, 1968)

در این قسمت نیز به مثابه مثال‌های قبل، مترجم فارسی تحت تأثیر سبک مترجم انگلیسی دست به چنین حذفی زده است. بنابراین، ترجمه «و خسارت‌های به بار آمده توسط طوفان و سیل را تخمین می‌زدند» پیشنهاد می‌شود.

و- حينئذ أنهم يزدادون قربا من تلك النقطة؟ أم تراهم يدركون أن النقطة الغامضة الصامتة في الوسط، أمر تنتهي الحياة ولا ينتهي إليها المرء (صالح، ۲۰۱۰)
شجاعی‌فر: ترجمه نشده است (صالح، ۱۳۷۹)

عبارت بالا که در متن عربی آمده در ترجمه فارسی حذف شده است. به نظر می‌رسد که مترجم فارسی تحت تأثیر زبان واسطه چنین حذفی را انجام داده و چنین حذفی از سوی وی نه تنها هیچ کمکی به ترجمه نکرده، بلکه منجر به کاهش معنا شده است:

Don't translated (Davies, 1968)

بنابراین، ترجمه پیشنهادی برای این عبارت به این صورت است: آیا واقعاً گاهی به آن نقطه نزدیک می‌شدند؟ یا این که می‌فهمیدند آن نقطه‌ای مرموز و خاموش در وسط زندگی است که زندگی به آن پایان داده و این انسان نیست که به آن پایان می‌بخشد.

نکته مهم و درخور توجه آن است که در مسأله ترجمه، گاهی اوقات حذف و اضافه ممکن است روانی را در متن ترجمه به همراه داشته باشد. همچنان که بسیاری از مترجمین به منظور روانی عبارت در متن مقصد ممکن است جمله‌ای را از متن حذف و یا بدان اضافه کنند، اما در شاهد مثال‌های ارائه شده، حذف و اضافه‌هایی که شجاعی‌فر آن‌ها را تحت تأثیر زبان واسطه به ترجمه فارسی انتقال داده نه تنها هیچ کمکی به متن ترجمه نکرده، بلکه منجر به کاهش یا افزایش معنا شده و همین مسأله امانتداری وی را در ترجمه به چالش کشانده است.

۲-۳. همایش واژگانی

مسأله مهم دیگر که در مباحث ترجمه به چشم می‌خورد، گزینش جانشین و همنشین مناسب از سوی مترجم در سطوح واژگان و عبارات است. همنشینی واژه‌ها در هر زبان،

تابع قواعد خاصی است و در نهایت، جملاتی که در هر زبان به کار می‌رود، می‌تواند معنی یا معانی ویژه‌ای برای خود داشته باشد که در نتیجه انتقال هریک از این جملات بدون دستکاری، حذف برخی از ویژگی‌ها یا اضافه کردن ویژگی‌های دیگر امکان‌پذیر نمی‌نماید (صفوی، ۱۳۸۲). به بیان بهتر، مفهوم جانشینی را می‌توان «مجموعه عواملی که ارتباط بین آن‌ها از نوع انفصالی است و قادرند در یک بافت به جای یکدیگر بنشینند» (شعیری، ۱۳۸۱) تعریف کرد. به عنوان یک نمونه ساده که در بافت زبانی ارائه شده می‌توان به این مثال اشاره کرد: «فردوسی» در قرن چهارم زندگی می‌کرد، خالق شاهنامه از اهالی طوس است». در این بافت در مواردی که با خط مشخص شده هریک می‌تواند به جای دیگری استفاده شود؛ البته با این توضیح که در ذهن ما باید سابقه‌ای نسبت به واژه‌ها وجود داشته باشد (قره‌خانی، ۱۳۹۷).

الف- باکر بعد باکر مایجی یفکر (صالح، ۲۰۱۰)

شجاعی فر: نمی‌تواند فردا یا بعداً آن را انکار کند (صالح، ۱۳۷۹)

هر فارسی‌زبانی به خوبی می‌داند که هم‌نشین مناسب برای واژه «فردا» واژه و کلماتی از قبیل «بعداً» نیست، بلکه برای چنین بافتی در زبان فارسی از صورتی اصطلاحی بهره می‌گیریم که میان فارسی‌زبانان مرسوم و رایج است. به عنوان نمونه دارایی در ترجمه این عبارت چنین آورده است: «نکنند فردا یا پس فردا بزند زیر قول و قرارش» (صالح، ۱۳۹۵). با نگاهی به ترجمه انگلیسی درمی‌یابیم که اشکال کار مترجم فارسی (شجاعی فر) در کدام بخش است:

He can't come along denying it tomorrow or the day after (Davies, 1968: 37-38)

در زبان انگلیسی عبارت «The day after» به معنای «روز بعد یا روز دیگر» است (حییم، ۱۳۹۱). با بررسی ترجمه انگلیسی و تطبیق آن با متن عربی و ترجمه فارسی می‌توان به این موضوع دست یافت که شجاعی فر با ترجمه واژه به واژه خود از این عبارت و ترجمه تحت‌اللفظی واژه «After» ترجمه فارسی را از روانی و خوانش‌پذیری دور کرده

است. همچنین ترجمه مستقیم وی باعث شده که صورت اصطلاحی عبارت از بین برود. بنابراین، ترجمه «امروز و فردا نمی‌تواند آن را حاشا کند» پیشنهاد می‌شود.

ب- تقول لأخيها و على وجهها ذلك القناع الكثيف من الوقار (صالح، ۲۰۱۰)
شجاعی فر: با همان چهره مصمم و غیرقابل رسوخ به برادرش می‌گفت (صالح، ۱۳۷۹)

در ادبیات فارسی برای واژه «چهره» از صفت‌هایی همچون «مصمم»، «با وقار»، «با متانت» و «نبا جذبه» استفاده می‌کنیم. مترجم، صفت «مصمم» را به درستی در ترجمه به کار برده، اما همنشینی که برای این واژه در نظر گرفته، همنشین مناسبی نیست، چراکه یک فارسی‌زبان برای واژه «مصمم» از همنشینی چون «غیرقابل رسوخ» استفاده نمی‌کند. وقتی نگاهی به ترجمه انگلیسی می‌اندازیم و آن را با ترجمه فارسی و متن اصلی تطبیق می‌دهیم به این موضوع پی می‌بریم که مترجم در انتخاب همنشین مناسب برای واژه «مصمم» دچار اشتباه شده است، چراکه در زبان فارسی واژه «غیرقابل رسوخ» با واژه «چهره» همایی ندارد.

With that impenetrable mask of gravity on her face (Davies, 1968)

اشتباه مترجم فارسی در ترجمه عبارت «Impenetrable mask of gravity» است، چراکه شجاعی فر با ترجمه تحت‌اللفظی از این عبارت، ترجمه‌ای را در متن مقصد ارائه کرده که واژگان آن با یکدیگر همنشینی و همایی مناسب ندارند. با نگاه به نمونه‌ای از یک متن درمی‌یابیم که مترجم در انتخاب همنشین مناسب برای واژه «مصمم»، اندکی بی‌سلیقگی به خرج داده است: «گیسون دستش را محکم و مصمم می‌فشرد، از جایش برمی‌خیزد، یکی از صندلی‌های نزدیک تر کنار میز را می‌کشد و از او می‌خواهد بنشیند» (کوئلیو، ۱۳۸۸). براساس توضیحات و نمونه ارائه شده، ترجمه «با همان چهره باوقار و مصمم به برادرش گفت» پیشنهاد می‌شود.

ج- الغنى و المتعلم و الوسيم (صالح، ۲۰۱۰)
شجاعی فر: ثروتمند، تحصیل‌کرده، خوش‌اندام (صالح، ۱۳۷۹)

هر فارسی‌زبانی به خوبی می‌داند که واژه و عباراتی که برای بافت‌های این‌چنینی باید به کار برد، عباراتی از قبیل «خوش‌چهره»، «خوش‌تیپ» و «خوش‌هیکل» است، اما مترجم فارسی (شجاعی فر) با بی‌سلیقگی در کنار واژگانی همچون «ثروتمند» و «تحصیل‌کرده» از واژه «خوش‌اندام» استفاده کرده و ترجمه را از روانی و خوانش‌پذیری دور ساخته است، چراکه خواننده فارسی انتظار واژگانی مانند «خوش‌تیپ»، «خوش‌هیکل» و «خوش‌چهره» را دارد، نه «خوش‌اندام».

با بررسی برابری که در ترجمه انگلیسی برای واژه «خوش‌اندام» استفاده شده به اشتباهی که مترجم فارسی دچار شده است، بیش از پیش پی خواهیم برد:

The rich, The educate, The handsome (Davies, 1968)

در زبان انگلیسی، برابری که برای واژه «خوش‌اندام» ذکر شده، واژه «Handsome» است. در فرهنگ حمیم که فرهنگی انگلیسی به فارسی است از میان معانی متعددی که برای این واژه (Handsome) بیان شده، واژه «خوش‌اندام» به چشم می‌خورد (حمیم، ۱۳۸۸). این در حالی است که در فرهنگ لغت دیگری، این واژه به معنای «خوش‌تیپ و خوش‌قیافه» آمده است (جعفری، ۱۳۸۳). در فرهنگ عربی به انگلیسی‌المورد از میان برابره‌های موجود برای واژه «الوسیم» واژه «Handsome» به چشم می‌خورد (البلبکی، ۱۹۹۲). با توجه به اینکه هر دو معنا در زبان فارسی به کار می‌رود، برحسب موقعیتی که واژه در آن قرار می‌گیرد باید یکی از معانی را برگزید. مترجم فارسی در انتخاب همنشین مناسب دچار اشتباه شده و تنها به یک معنا توجه داشته و معنای دوم که در این‌جا مدنظر بوده از دید او دور مانده است. این در حالی است که دارابی در ترجمه خود (پولدار، تحصیل‌کرده، خوش‌تیپ (صالح، ۱۳۹۵)) از واژگان مناسبی در کنار هم استفاده کرده است. بنابراین، ترجمه «ثروتمند، تحصیل‌کرده، خوش‌چهره (خوش‌تیپ)» پیشنهاد می‌کنیم.

د- و هو یری سیف‌الدین و الامام یمشبان معا ذراعاً فی ذراع (صالح، ۲۰۱۰: ۲۵۶)
شجاعی فر: یک‌بار موقعی که سیف‌الدین و امام بازو به بازوی یکدیگر راه می‌رفتند (صالح، ۱۳۷۹)

به نظر می‌رسد در متن اصلی، نویسنده عرب از لفظ «ذراع» به عنوان مجاز (ر.ک: جواهر البلاغه، ۱۳۸۱) استفاده کرده تا نوشته خود را ادبی کند. این در حالی است که منظور وی از بازو، «شانه» است و عبارت «ذراعاً فی ذراع» صورتی اصطلاحی به خود گرفته است که در زبان فارسی عبارت اصطلاحی مناسب برای آن «دوشادوش» یا «شانه‌به‌شانه» است. با نگاهی به ترجمه انگلیسی متوجه می‌شویم که شجاعی‌فر در کدام قسمت دچار اشتباه شده است:

Once seeing Seif ad- din and the imam walking together arm in arm
(Davies, 1968)

در عبارت بالا، مترجم در ترجمه عبارت «Arm in arm» دچار اشتباه شده است. واژه «Arm» در زبان انگلیسی دارای معانی متعددی است از میان معانی‌ای که برای آن ذکر شده، دو معنا نظر نگارندگان مقاله را به خود جلب کرد که به نظر می‌رسد اشتباه مترجم فارسی در همین بخش است؛ معنای اول از این واژه، معنای «بازو» و معنای دیگری که مترجم فارسی بدان توجهی نداشته معنای «دست [از بیخ شانه تا نوک انگشتان]» است. همچنین عبارت «Arm in arm» یک عبارت اصطلاحی است که به معنای «دست در دست یکدیگر» یا «شانه‌به‌شانه» به کار می‌رود (حییم، ۱۳۸۸).

مترجم فارسی با ترجمه تحت‌اللفظی از این عبارت و بدون در نظر داشتن دو عنصر همسان‌سازی و تعادل‌سازی، ترجمه خود را دچار خطا و اشتباه کرده و ترجمه، صورت اصطلاحی خود را از دست داده است. هرگاه در ترجمه یک متن ادبی، مترجم از دو عنصر همسان‌سازی و تعادل‌سازی چشم‌پوشی کند، ترجمه‌ای که در اختیار مخاطب زبان مقصد قرار می‌دهد، ترجمه‌ای گنگ، بی‌مفهوم و بی‌ارتباط با ساختار زبان مقصد است. بنابراین، ترجمه «یک بار امام و سیف‌الدین را دید که دوشادوش یکدیگر راه می‌رفتند» پیشنهاد می‌شود.

۳-۳. لغزش‌ها

امروزه، اکثر مترجمان تازه‌کار در ترجمه‌های خود در بخش‌هایی از جمله «نسبیت زبانی»، «هم‌معنایی» و «چندمعنایی» دچار مشکل می‌شوند (ر.ک: صفوی، ۱۳۸۲). شکرالله

شجاعی فر نیز از آن دسته مترجمان است که گاهی در انتخاب واژه مناسب از میان معانی متعدد، دچار اشتباه شده و همین مسأله ترجمه او را با خطا و لغزش همراه ساخته است.

الف- یولد الأطفال فیستقبلون الحیاة بالصریخ (صالح، ۲۰۱۰)

شجاعی فر: بچه‌ها خوشی و تفریحشان را با جیغ و داد بروز می‌دهند (صالح، ۱۳۷۹)

در این عبارت، مترجم فارسی به منظور همسان‌سازی ترجمه با متن اصلی به ورطه خطا افتاده و همین امر باعث شده است که ترجمه با منظوری که نویسنده عرب دنبال می‌کند، بسیار متفاوت باشد. با بررسی ترجمه انگلیسی و تطبیق آن با ترجمه فارسی و متن عربی می‌توان پی به اشکالات موجود در ترجمه شجاعی فر برد:

At first, As is well known, Children meet life with screams (Davies, 1968)

در زبان انگلیسی، واژه «Meet» به معنای «ملاقات کردن»، «دیدار» و «رویارویی» به کار می‌رود (آریان‌پور کاشانی، ۱۳۸۴). واژه «Scream» نیز به معنای «فریاد»، «جیغ»، «فریاد زدن» و «جیغ کشیدن» آمده است (حییم، ۱۳۸۸). از این رو، می‌توان گفت قرار گرفتن واژه «Meet» در کنار واژه «Scream» بافتی را در جمله ایجاد کرده که مترجم فارسی در مرکز خطا و اشتباه قرار گیرد. با مراجعه به متن عربی به این اشتباه پی می‌بریم، چراکه در متن اصلی، قبل از فعل «یستقبلون» واژه «یولد» به کار رفته است و بافت جمله در متن اصلی به ما کمک می‌کند که راحت‌تر به منظوری که نویسنده عرب دنبال می‌کند، دست یابیم. در حقیقت جمله عربی، معنای ضمنی را دنبال می‌کند که شجاعی فر بدان دقتی نداشته است. با نگاهی به ترجمه ادبی از رمان طیب صالح این مسأله بیش از پیش روشن خواهد شد؛ دارابی در این رمان به این صورت ترجمه کرده است: «بچه‌ها تا به دنیا می‌آیند زندگیشان را با جیغ و فریاد آغاز می‌کنند» (صالح، ۱۳۹۵). بنابراین، ترجمه «کودکان از همان بدو تولد با گریه و شیون به استقبال زندگی می‌روند» پیشنهاد می‌شود.

ب- نعرس لک عزة (صالح، ۲۰۱۰)

شجاعی فر: عزه را می‌دهیم با تو ازدواج کند (صالح، ۱۳۷۹)

در زبان فارسی، اگر بخواهیم از چنین بافتی استفاده کنیم باید بگوییم «فلانی را به ازدواج تو درمی‌آورم» یا «فلانی را به عقدت درمی‌آورم»، اما می‌بینیم که مترجم جمله را به صورتی ترجمه کرده که با ساختارهای متن مقصد همسو نبوده و حتی صورت اصطلاحی عبارت در ترجمه فارسی از بین رفته است. ردپای این اشتباه را باید در ترجمه انگلیسی جست‌وجو کرد:

We'll give you azza in marriage. (Davies, 1968)

از آن‌جا که فعل «Give» به معنای «دادن [به]»، «فرض کردن»، «معین کردن»، «بخشش کردن»، «تاب نیاوردن»، «رو به جایی [باز شدن]» است، مترجم بدون در نظر گرفتن معیارهای متن مقصد و همسان‌سازی و معادل‌سازی این واژه، آن را به همان صورت که در ترجمه انگلیسی آمده به صورت تحت‌اللفظی ترجمه کرده و مطمئناً به این نکته توجهی نداشته است که یک فارسی‌زبان هیچ‌گاه در چنین موقعیت یا موقعیت‌های مشابهی نمی‌گوید: «فلانی را می‌دهیم با تو ازدواج کند». از این رو شجاعی فر با بی‌توجهی به صورت اصطلاحی عبارت و ترجمه تحت‌اللفظی و مستقیم خود، صورت اصطلاحی عبارت را از بین برده است. بنابراین، برای این عبارت، ترجمه «عزه را به عقدت در میارم» پیشنهاد می‌شود.

ج- فی بیت خاله (صالح، ۲۰۱۰)

شجاعی فر: در منزل عمویش (صالح، ۱۳۷۹)

واژه «خال» از ریشه «خَوَلَّ» در زبان عربی به معنای «صاحب»، «آثار خیر»، «پرچم لشکر»، «خال [بدن]» و «دایی» به کار برده می‌شود (قیم، ۱۳۹۳). با این حال می‌بینیم که مترجم در برابر لفظ «خال» از واژه «عمو» بهره برده است. با نگاهی به ترجمه انگلیسی و بررسی آن با ترجمه فارسی متوجه خواهیم شد که مترجم فارسی در ترجمه برابری که مترجم انگلیسی برای واژه «خال» در نظر گرفته دچار اشتباه شده است:

Seif ad- din spent the night at his uncle's house (Davies, 1968)

برای واژه «خال» در ترجمه انگلیسی از معادل «Uncle» استفاده شده است که در زبان انگلیسی این واژه هم برای «عمو» و هم برای «دایی» به کار می‌رود (حییم، ۱۳۸۸). برای تفهیم بیشتر این موضوع نگاهی به فرهنگ المورد انداختیم و متوجه شدیم برابری که برای واژه «خال» در زبان انگلیسی وجود دارد، واژه «Uncle» است (البلبکی، ۱۹۹۲). به نظر می‌رسد که مترجم تحت تأثیر زبان انگلیسی معنای اول را به کار برده و معنای دوم از نظر او دور مانده است. بنابراین، ترجمه «در منزل دایی‌اش» پیشنهاد می‌شود.

د- دمدم طبل النحاس الكبير و هدر (صالح، ۲۰۱۰)

شجاعی‌فر: طبل بزرگ برنجی مثل رعد به غرش درآمد (صالح، ۱۳۷۹)

در این عبارت، مترجم در ترجمه چند قسمت دچار اشتباه شده است؛ ۱- در متن عربی هیچ‌گونه تشبیهی وجود ندارد، اما در ترجمه فارسی، جمله صورت تشبیهی به خود گرفته است. ۲- واژه «نحاس» به معنای «مس» است و نه به معنای «برنج». در زبان عربی، واژه «نحاس» به معنای «مس»، «[تونس] سکه کوچک» است. هرگاه این واژه در کنار واژه «أصفر» بیاید، معنای «برنج» می‌دهد (آذرنوش، ۱۳۸۸).
با نگاهی به ترجمه انگلیسی و تطبیق آن با ترجمه فارسی و متن اصلی به این نتیجه دست می‌یابیم که شجاعی‌فر تحت تأثیر زبان واسطه دچار چنین اشتباهی شده است:

The large brass drum let out a rumbling noise as of thunder
(Davies, 1968)

واژه «brass» به معنای «برنج» و «برنجین» است (حییم، ۱۳۸۸). در زبان انگلیسی، واژه ای که برای «مس» به کار می‌برند، واژه «Copper» است (البلبکی، ۱۹۹۲). عبارت «As of» در ترجمه انگلیسی قالبی تشبیهی را ایجاد کرده و مترجم با ترجمه تحت‌اللفظی تشبیه را به متن فارسی منتقل کرده است. مترجم فارسی، بی‌خبر از آنکه متن اصلی هیچ‌گونه تشبیهی ندارد، این جمله را از انگلیسی ترجمه و آن را به زبان فارسی منتقل کرده است. دارابی در ترجمه این عبارت چنین آورده است: «طبل بزرگ مسی به صدا درآمد» (صالح، ۱۳۹۵). بنابراین ترجمه زیر پیشنهاد می‌شود:
- طبل بزرگ مسی غرشی می‌کند و به صدا در می‌آید.

بحث و نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر به بررسی کیفیت ترجمه از زبان واسطه پرداخته شد. شکرالله شجاعی فر در شناسنامه ترجمه خود ادعا کرده که «عرس الزین» را از ترجمه دنیز جانسون به فارسی برگردانده است، اما نتیجه‌ای که از این ادعا در مقاله پیش رو حاصل شد با گفته وی در تضاد است. هرچند تأثیرپذیری شجاعی فر به مثال‌های یاد شده ختم نمی‌شود و نگارندگان در تطبیق با موارد زیادی از این نوع مثال‌ها روبه‌رو شدند که حاکی از واسطه قرار دادن زبان واسطه است، اما در این جستار مختصر نمی‌توان به همه این مثال‌ها پرداخت. تأثیرپذیری مترجم فارسی از چند حالت خارج نیست:

* شکرالله شجاعی فر در ترجمه انگلیسی به فارسی بسیاری از عبارات را بدون توجه به اینکه هر واژه یا عبارت در هر زبان می‌تواند بار معنایی خاصی را داشته باشد، عیناً ترجمه کرده و این مسأله باعث شده که بسیاری از واژگان، عبارات و جمله‌هایی که به ترجمه فارسی انتقال پیدا کند با رویکردهایی که متن مقصد دنبال می‌کند، همسو نباشد.

* شجاعی فر در ترجمه برخی از واژگان دچار اشتباه شده است، چراکه از میان معانی متعدد برای یک واژه، تنها معنای اولیه را برگزیده و معانی دیگر از دید او دور مانده است و این امر خود دلیلی است بر آنکه ترجمه این مترجم از روانی و خوانش‌پذیری کافی برخوردار نباشد و خواننده را خسته و از خواندن ادامه متن منصرف کند.

* برخی از اصطلاحات، تعابیر و ضرب‌المثل‌ها به همان شکلی که در ترجمه انگلیسی به کار رفته به ترجمه فارسی منتقل شده است بدون آنکه شجاعی فر اقدام به معادل‌یابی کند و آن‌ها را به همان صورت به ترجمه فارسی منتقل کرده است. این در صورتی است که برای بسیاری از اصطلاحات، تعابیر و ضرب‌المثل‌ها موجود در زبان فارسی معادل مناسب وجود دارد. امروزه یکی از دلایلی که باعث می‌شود یک ترجمه نسبت به ترجمه دیگر خوب و خواننده‌محور باشد، همین مسأله معادل‌یابی است.

* شجاعی فر در ترجمه خود حذف و اضافه‌هایی را صورت داده که ناشی از زبان واسطه بوده و در متن اصلی وجود نداشته است. این حذف و اضافه‌ها که از سوی شجاعی فر صورت گرفته نه تنها هیچ کمکی در ترجمه فارسی نکرده، بلکه گاهی منجر به کاهش و یا افزایش معنا شده و مسأله امانت‌داری مترجم را خدشه‌دار کرده است، چراکه این کار وی باعث شده که ترجمه به متن اصلی وفادار نباشد و ترجمه‌ای آزاد و تفسیری به حساب

آید. این مهم تا جایی پیش رفته که گاهی ترجمه فارسی از منظوری که متن عربی دنبال می‌کند به دور است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Ali Saedawi  <http://orcid.org/0000-0001-8880-2187>

Sajjad Ahmadi  <http://orcid.org/0000-0002-7005-0439>

منابع

- آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۸۸). فرهنگ معاصر عربی-فارسی: براساس فرهنگ عربی-انگلیسی هانس‌ور. چ ۱۱. تهران: نشر نی.
- آریان‌پور کاشانی، منوچهر. (۱۳۸۴). فرهنگ یک جلدی پیشرو آریان‌پور [فارسی-انگلیسی]. چ ۲. تهران: نشر الکترونیکی و اطلاع‌رسانی جهان رایانه.
- البلبکی، روحی. (۱۹۹۲). المورد (قاموس عربی-انگلیزی). ط ۴. بیروت: دارالعلم للملایین.
- جعفری، محمدرضا. (۱۳۸۳). فرهنگ نشر نو: انگلیسی-انگلیسی و انگلیسی-فارسی. چ ۱. تهران: دانشیار.
- حدادی، محمود. (۱۳۷۰). مبانی ترجمه. چ ۱. تهران: جمال‌الحق.
- حسین، طه. (۱۹۸۱). ألوان. ط ۶. قاهرة: دار المعارف.
- حقانی، نادر. (۱۳۸۶). نظرها و نظریه‌های ترجمه. تهران: امیرکبیر.
- حییم، سلیمان. (۱۳۸۸). فرهنگ معاصر انگلیسی به فارسی. چ ۴ و ۲. تهران: فرهنگ معاصر.
- _____ . (۱۳۹۱). فرهنگ معاصر کوچک انگلیسی به فارسی. چ ۱۹ و ۴. تهران: فرهنگ معاصر.
- شعیری، حمیدرضا. (۱۳۸۱). مبانی معناشناسی نوین. چ ۱. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- صالح، الطیب. (۱۳۷۹). عروسی زین. ترجمه شکرالله شجاعی فر. تهران: نشر آگه.
- _____ . (۱۳۹۵). عروسی زین. ترجمه صادق دارابی. چ ۱. مشهد: انتشارات بوتیمار.
- _____ . (۲۰۱۰). الأعمال الكاملة. بیروت: دار العوده.

- صفوی، کوروش. (۱۳۸۲). هفت گفتار درباره ترجمه. چ ۵. تهران: نشر مرکز.
- قره‌خانی، ناصر. (۱۳۹۷). بررسی معاشناسی واژه ذلت در نهج البلاغه با رویکرد هم‌آبی همنشینی و جانشینی، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه. ۶(۲۴)، صص ۱۹-۱.
- قیم، عبدالنبی. (۱۳۹۳). فرهنگ معاصر عربی-فارسی. چ ۱۱. تهران: فرهنگ معاصر.
- کمالی، جواد. (۱۳۷۲). حذف و اضافه در ترجمه. مترجم، (۱۱ و ۱۲)، صص ۳۰-۱۶.
- کوئلیو، پائولو. (۱۳۸۸). برنده تنه‌است. ترجمه آرش حجازی. چ ۱. تهران: نشر کاروان.
- مان، توماس. (۱۳۸۸). تونیو کروگر. ترجمه رضا سیدحسینی. چاپ پنجم. تهران: هاشمی.
- مهدی‌پور، فاطمه. (۱۳۹۸). نظری بر روند پیدایش نظریه‌های ترجمه و بررسی سیستم تحریف متن، از نظر آنتوان برمن. کتاب ماه ادبیات، ش ۴۱، ۶۳-۵۷.

References

- Azarnoosh, A. (2009). *The Contemporary Dictionary of Arabic and pertain, according to Arabic and English dictionary of Hansver*. Tehran: Publisher Nashre ney. [In Persian]
- Ariyanpoor Kashani, M. (2005). *The Dictionary of Ariyanpoor [Farsi-Englisi]*. Second Editon. Tehran: Published in Inernet.
- Albaalbaki, R. (1991). *The dictionary of almurid*. Beirut: Darialeilm lilmalayyn. [In Persian]
- Gharahkani, N. (2018). A Study of the Semantics of the Word Humiliation in Nahj Al-Balaghah with Accompanying and Substitution. 6(24). 1-19. [In Persian]
- Ghayyem, A. (2014). *Contemporary Dictionary English to Farsi*. Eleventh Edition. Tehran: Farhange Moaser. [In Persian]
- Hadadi, M. (1991). *Foundations of Translationof translation*. First Edition. Tehran: Jamalalhigh. [In Persian]
- Hossein, T. (1980). *Colors. Sixth edition*. Cairo: Daralmaaref. [In Persian]
- Haghani, N. (2007). *Theories and Comments*. Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- Hayyem, S. (2009). *Contemporary Dictionary English to Farsi*. Forth edition. Tehran: Farhang Moaser. [In Persian]
- _____. (2012). *Contemporary Dictionary English to Farsi*. Nineteenth edition Tehran: Farhang Moaser. [In Persian]
- Jafari, M. R. (2004). *Farhang nashre now, English to English and English to Farsi* First edition. Tehran: Daneshyar. [In persian]
- Kamali, J. (1993). Delete and Add in Translation. *The Translator*, 3 (11 & 12). 16-30. [In Persian]
- Koelio, P. (2004). *The Winner is Alone*. Translated by: Arash Hejazi. First Edition. Tehran: Karavan. [In Persian]
- Mann, T. (2009). *Tonyo Kroger*. Translated by: Reza Syyed Hosseini. Fifth Edition. Tehran: Hashemi. [In Persian]

- Mahdipour, F. (2019). A theory of the Development of Translation theories and a Study of the System of Text Distortion, According to Antoine Berman. Book of the Month of Literature. No 41. 57-63. [In Persian]
- Shaery, H. R. (2002). Fundamentals of Modern Semantics. First Edition. Tehran: Samt. [In Persian]
- Salih, T. (2000). *The wedding of Zein*. Translated by Motarjem: shokrollah shojaifar. Tehran: Agah. [In Persian]
- _____. (2016). *The wedding of Zein*. Translated by: Sadegh Darabi. First edition. Mashhad: botimar. [In Persian]
- _____. (2009). *Alamalokamelat*. Beirut: Darolodate. [In Persian]
- _____. (1968). *The wedding of Zein*. Translator: Denys Johnson Davies. New York. <http://iranketab.ir/profile/4726-denis-jhons>
- Safavi, k. (2003). Seven Speeches about Translation. Fifth Edition. Tehran: Markaz. [In Persian]

